روی خط سُل

آخرین ساخته جلال ذوالفنون به بازار می‌آید

ایسنا: **چهارمین تکنوازی جلال ذوالفنون، نوازنده پیشکسوت سه تار، به زودی روانه بازار می‌شود.**

ذوالفنون در اجرای قطعات «پندار» از دستگاه‌های افشاری و ماهور استفاده کرده است.

گفتنی است به گفته این نوازنده پیشکسوت، حضور وی در صورت شرکت در نوزدهمین جشنواره موسیقی فجر عمدتا با رویکرد پژوهشی خواهد بود.

اثری جدید از امین‌الله رشیدی

ایسنا: **«دلم تنگ است»، ساخته جدید امین‌الله رشیدی، آهنگساز و خواننده قدیمی رادیو ایران، به بازار می‌آید.**

رشیدی با بیان خبر فوق گفت که در این کاست ۹ قطعه موسیقی در مایه‌های متفاوت از جمله کلاسیک و سنتی اجرا شده است. وی در عین حال ترانه‌های «دلم تنگ است» را متفاوت از ترانه‌های سابق دانست که خود با فرمی تازه اجرا کرده است. به گفته رشیدی شعر این مجموعه سروده مهدی اخوان ثالث است.

«ارکستر سمفونیک تهران» در نوزدهمین جشنواره موسیقی فجر

ایسنا: **ارکستر سمفونیک تهران در نوزدهمین جشنواره موسیقی فجر حضور خواهد داشت.**

ایرج صهبایی، رهبر ارکستر سمفونیک تهران، افزود: با این وجود هنوز قطعات اجرایی ارکستر سمفونیک در جشنواره فجر انتخاب نشده‌اند.

وی گفت: پس از اجرای کنسرت این هفته کار مطالعه، پژوهش و تمرین قطعات انتخابی برای جشنواره موسیقی فجر را آغاز خواهیم کرد.

ابراز نگرانی خانه موسیقی از مهم‌ترین مشکل اجرایی در این نهاد صنفی

ایسنا: **معاون اجرایی خانه موسیقی نگرانی خود را از مهم‌ترین مشکل این نهاد صنفی ابراز داشت.**

فاضل جمشیدی گفت: تعداد زیادی از هنرمندان عضو خانه موسیقی که طی دو سال گذشته یا از بدو تأسیس آن، آدرس یا شماره تلفن آنها تعویض شده است، تغییرات خود را به ما اطلاع نداده‌اند.

به گفته وی، این امر هیأت مدیره خانه موسیقی را در اطلاع‌رسانی مواردی مثل بیمه هنرمندان که به منافع شخصی خود هنرمندان برمی‌گردد، دچار مشکل جدی کرده است.

معاون اجرایی خانه موسیقی ادامه داد: به عنوان نمونه در بحث مجمع نوازندگان ایرانی در بسیاری از مواد دچار مشکلات جدی شدیم و خیلی از پاکت‌های ارسالی برگشت خورده است؛ لذا از موسیقیدانان انتظار داریم که آخرین تغییرات محل سکونت یا تلفن خود را با شماره تلفن ۶۹۱۷۷۱۱ به خانه موسیقی اطلاع دهند.

جمشیدی در پایان گفت: مهم‌ترین مسأله یک نهاد صنفی و اجتماعی داشتن امکان دسترسی سریع به اعضاست و ما از تمامی اعضای کانون‌های هشت‌گانه می‌خواهیم که آدرس خود را با خانه موسیقی چک کنند.

آلبوم جدید سراج به بازار می‌آید

ایلنا: **آلبوم جدید حسام‌الدین سراج با نام «عشق و مستی» با آهنگسازی و تنظیم رامین کاکاوند به زودی به بازار موسیقی عرضه خواهد شد.**

این کاست شامل شش قطعه از اشعار حافظ، مولانا، سعدی و وحشی بافقی است که توسط شرکت «هم‌آواز آهنگ» به بازار عرضه می‌شود.

گفتنی است که شهریار فریوسفی، شهرام میرجلالی، مسعود حبیبی، محمود فرهمند و مسعود حمیدی با نواختن تار و دیوان، عود، دف، تنبک و طبلا، کاکاوند را یاری داده‌اند. همچنین، گروه کر به سرپرستی علی تفرشی و شهرام رکوعی در این کاست حضور دارند.

«آشنایی با موسیقی جهان» در خانه هنرمندان

ایسنا: **جلسه آینده «آشنایی با موسیقی جهان» دوشنبه ۶بهمن ماه در سالن بتهوون خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. این جلسه «شب ویلن» خواهد بود و قطعاتی از بهترین ویلنیست‌های دنیا پخش خواهد شد.**

«امیر اشرف آریان‌پور» سخنران جلسات آشنایی با موسیقی جهان، با بیان اینکه امروز باید با هنر و هنرمندان روز آشنا شد در حالی که ما حتی در دانشگاه‌هایمان موسیقی قرن بیستم را تدریس نمی‌کنیم، گفت: ما همیشه دلمان می‌خواهد در گذشته‌ها بمانیم. دوست داریم شعرهای حافظ و سعدی را بخوانیم.

وی توضیح می‌دهد که خواندن اشعار شاملو، به این معنا نیست که شاملو بیشتر از آنها اهمیت دارد. مسأله این است که ما آدم‌های زمان سعدی نیستیم. پس شعرمان هم باید متفاوت باشد. این تفکر را به سایر هنرها از جمله موسیقی تعمیم می‌دهد و مثالی از یک روزنامه آلمانی زبان می‌آورد که : امروز جای بتهوون در موزه‌هاست.

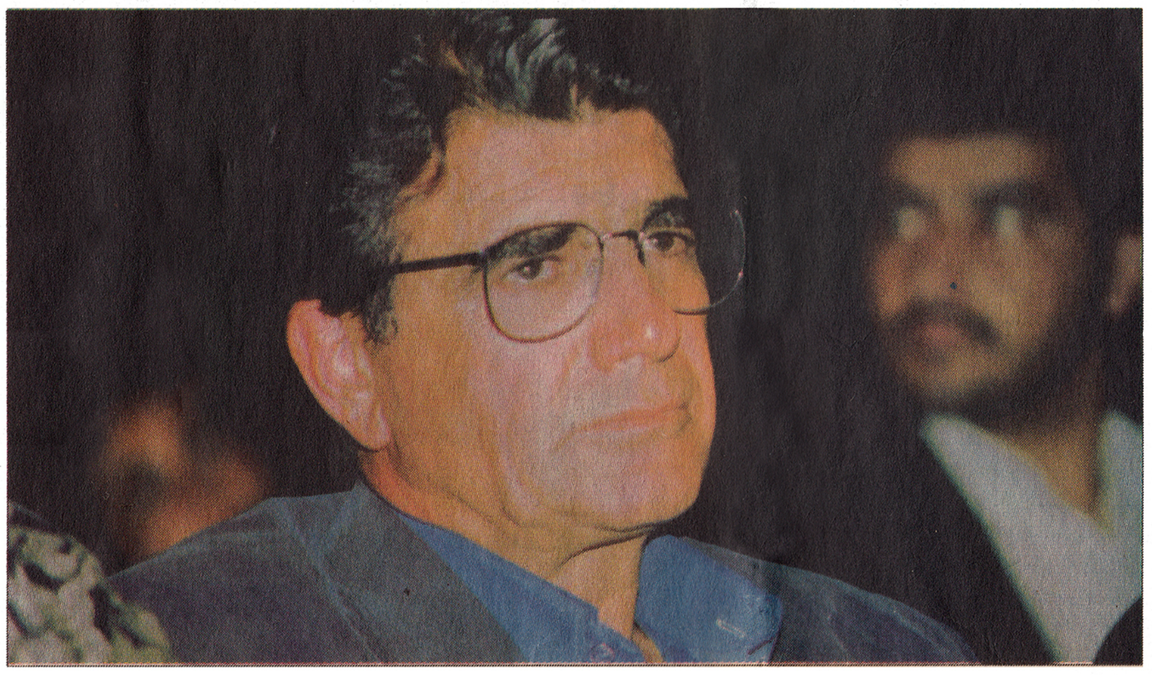

گفت‌وگو با استاد شجریان

موسیقی پاپ، سنخیتی با موسیقی آوازی ایران ندارد

قسمت اول این گفت‌وگو که به بهانه کنسرت این روزهای محمدرضا شجریان انجام شده، روز گذشته در صفحه پنج روزنامه «بانی فیلم» منتشر شد. آنچه در پی می‌آید نیمه دوم و بخش پایانی این گفت‌وگو است.

□محمد جواد بشارتی

◆حال این کنسرت را بهانه‌ای برای بحث پیرامون وضع آوازخوانی در جامعه امروز ایران بنماییم. بخصوص آنکه شما به‌عنوان جریانی تأثیرگذار در موسیقی معاصر (آواز) شناخته می‌شوید و ما با طیفی از جوانان علاقمند روبه‌رو هستیم که اغلب به دام تقلید شیوه و صدا افتاده‌اند.

-هر کس باید صدای خاص خود را دنبال کند. ممکن است شخصی صدایش شبیه صدای من باشد و بخواهد با شیوه من بخواند، اما حتی این شخص نیز نباید به دام تقلید صدای محض بیفتد. تربیت صدا، امری تخصصی و الزامی است که تقریباً تا امروز نادیده گرفته شده است. در کلاس‌های آواز اغلب ردیف درس می‌دهند و گاه حتی معلمان آواز، خود در نحوه ارائه آواز دچار مشکلند که این مشکلات تکنیکی به شاگردان منتقل می‌شود. خیلی از جوان‌ها، امروزه از روی آثار من، شروع به تمرین آواز و تقلید می‌کنند.

البته تقلید در مرحله شروع و فراگیری اولیه موسیقی اجتناب‌ناپذیر است. در واقع در دوره مقدماتی آواز، تقلید با رعایت جزئیات صورت می‌گیرد، البته منظور تقلید شیوه و سبک، برای یادگیری اصول اجرا، ردیف و نحوه خواندن است. خود من نیز در اوایل شروع آوازخوانی این کار را می‌کردم. این مسأله در آموزش آواز وجود دارد. اما مشکل در تکنیک و نحوه اجرا غالب‌تر است. من خیلی‌ها را دیده‌ام که با وجود صدای خوب، در اجرا دچار مشکلاتی هستند.

پس از مرحله مقدماتی، مرحله شیوه است که عده‌ای نیز شیوه را تقلید می‌کنند. این مرحله نیز قابل پذیرش است، اما با رعایت شرایطی. یعنی با شیوه استادان گذشته باید با دقت، مطالعه و کنکاش آشنا شد تا پس از حصول و شناخت بتوان به شیوه و بیان شخصی رسید. شیوه اجرایی من، خود ماحصل مطالعه چندین شیوه است و

به دلیل پخش نشدن صدای بزرگانی نظیر طاهرزاده، اقبال‌السلطان، ادیب و... جوان امروز با این صداها بیگانه است. رسانه‌ها، صدای خوانندگان امروز را پخش می‌کنند. کی تا به حال صدای مثلاً طاهرزاده پخش شده است؟

من آثار استادان گذشته را با دقت و سعی فراوان آموخته و دنبال کردم و این شیوه برآیندی از شیوه گذشتگان است. در دوره عالی، باید با شناخت و دقت در نحوه بیان و اجرا و در صورت داشتن تکنیک صحیح به بیان و صدای شخصی رسید.

◆با وجود تأکید شما بر آثار گذشته، به نظر می‌رسد نسل امروز کمتر با این نوع موسیقی ارتباط دارد.

-همان‌گونه که توضیح دادم، سطح ذائقه و شنیدار انسان امروز تغییر کرده، ضمن آنکه شرایط و نحوه انجام امور نیز تغییر کرده و بسیاری از کارها، تخصصی شده است.

در موسیقی قدیم، رابطه شاگرد و استاد به گونه‌ای بود که هنر آوازخوانی به صورت کامل به شاگرد منتقل می‌شد و میزان درک و سطح دریافت شاگرد در این فرآیند مبهم بود. در حقیقت میزان دریافت و تسلط و تکنیک، به خود هنرجو بازمی‌گشت. اما امروزه شرایط تغییر کرده است که پاره‌ای از مسائل آن تشریح شد. این شرایط موارد و حتی معضلاتی پدید آورده است که ویژه جامعه امروز است. به عنوان مثال چندسال پیش تصمیم گرفتم یک دوره ردیف عالی برای افراد مستعد تدریس کنم. به جرأت می‌گویم از بیش از صداثر ارسالی، هیچ یک دارای تکنیک و اجرای مناسبی نبود، برخی، دارای اشکالات صدایی و اجرایی بودند و برخی، اگر صدایی هم داشتند، اساساً ردیف آوازی موسیقی را نمی‌دانستند. این خود یک آسیب است که دلایل پیدایی آن به تحقیق گسترده‌تری نیاز دارد. با درک این موضع و نیاز به رفع مشکل، مرا واداشت تا به مسأله تکنیک و صداسازی توجه بیشتری نشان دهم. در واقع استنباط من این بود که این جوان‌ها بیشتر از آنکه مشکل ردیف یا شیوه خواندن داشته باشند، با تکنیک و نحوه اجرا مشکل دارند.

در حقیقت، بحث تکنیک، بحث مبانی هنر آوازخوانی است. این مرحله باید طی شود تا به مراحل بعد رسید.

◆مراحل بعد که یک هنرجوی آواز باید فرابگیرد، چیست؟

-ردیف و شیوه آواز را حتی از روی نوار و اثر ضبط شده می‌توان فرا گرفت، اما این یک قبل و بعدی هم دارد، قبل آن، همان مسأله مبانی و آموزش تکنیک است که باید حل شود و به تدریج ردیف را فرا گرفته و گوش خود را هرچه بیشتر پرورش دهد.

در دوره عالی، بحث بداهه‌خوانی، تلفیق شعر و موسیقی، انتخاب شعر مناسب با گوشه و دستگاه مورد نظر، مرکب‌خوانی، پیام و مضمون مقام‌ها و گوشه‌ها و حتی طریقه تدریس مطرح می‌شود.

البته راز و رمزهایی نیز است که مربوط به معنویت موسیقی و خصوصیات درونی آن است که بحث مفصل‌تری را می‌طلبد. این با مراحل عالی ارتباط دارد و به شرایط درونی-بیرونی هنرمند، دیدگاه و جهان‌بینی و نگرش او به زندگی و دنیا مربوط می‌شود.

◆از ارتباط متقابل نوازنده و خواننده و تأثیری که بر یکدیگر می‌گذارند، بگویید. مثلاً از تأثیر متقابلی که در کار با آقایان لطفی، مشکاتیان، علیزاده و کلهر به وجود آمد؟

- نوازنده و خواننده در یک کنش و ارتباط درونی، عمیق و متقابلند. این دو، باید همتای یکدیگر و در حد و اندازه یکدیگر باشند. حتی در مورد نوازنده می‌گویم که نوازنده باید یا همتای خواننده و یا حتی از او برتر باشد.

مورد دیگر مربوط به همدلی این دو است که با تأثیر متقابل بر یکدیگر، سبب اجرای ساز و آوازی خاص، پخته و عمیق می‌شوند. برای خود من این مسأله خیلی مهم است تا بتوانم اجرای خوبی داشته باشم. حال اگر این همدلی با نوازنده‌ای توانا و خلاق باشد، اتفاقاتی پدید می‌آید که مربوط به «آن» و لحظه اجراست.

در حال حاضر، خوشبختانه کار کردن با آقایان علیزاده و کلهر و همایون همه این خصوصیات را توأمان جمع کرده تا آثاری خوب پدید آید. همان‌گونه که یک آهنگ خوب را یک خواننده خوب باید بخواند، خواننده نیز در کنار یک نوازنده و موسیقیدان توانمند و متبحر با احساس آرامش و تأثیرات حسی و درونی بهتر، اثر بهتری را اجرا می‌کند. روی صحنه، خواننده و نوازنده باید یکدیگر را به اوج برسانند. کار با علیزاده و کلهر برای من چنین بوده است.

◆تا جایی که من اطلاع دارم، شما در انتخاب شعر و نحوه ارائه آواز، دقت و وسواس خاصی دارید. با این رویکرد، بحث بداهه چه جایگاهی دارد؟ با توجه به اینکه شما با انتخاب و آگاهی قبلی به اجرا می‌پردازید؟

-امکان بداهه، همواره وجود دارد. وقتی موسیقیدان از مراحلی گذر کرد، می‌تواند به بداهه‌سرایی بپردازد. مثلاً نوازنده از مقام و گوشه‌ای شروع کرده و من نیز به صورت بداهه، آوازی را بخوانم. اما در اجراهای دقیق‌تر و حساس‌تر نظیر کنسرت‌ها که با طیف انبوه مخاطب روبه‌رو هستیم برای ایجاد حس و ارتباط بیشتر، چارچوب کار را مشخص می‌کنم.

باید شعری مناسب انتخاب و نحوه ارائه آن با توجه به معنا و مفهوم شعر و حالات آن در نظر گرفته شود، ضمن آنکه توافق‌هایی نیز با نوازنده باید صورت پذیرد تا کار به نحو مطلوب انجام شود. با این حال، کلیات مشخص می‌شود و روی صحنه، موارد بسیاری از ساز و آواز بداهه شکل می‌گیرد. اجرای صحنه‌ای تا حدی شبیه یک سخنرانی است.

در موسیقی قدیم، رابطه شاگرد و استاد به‌گونه‌ای بود که هنر آوازخوانی به‌صورت کامل به شاگرد منتقل می‌شد و میزان درک و سطح دریافت شاگرد در این فرآیند مبهم بود

سخنران باید موضوع‌های موردنظر و اصلی خود را در ذهن مشخص کند تا به کلی‌گویی، پراکنده‌گویی و حتی گزافه‌گویی نیفتد.

در هنر آوازخوانی خطوط و مسیر اصلی مشخص می‌شود اما راه برای بداهه باز است، ضمن آنکه همواره می‌توان همه اجرا را بر بداهه استوار کرد.

با حسین حمیدی؛ درباره کنسرت جدید گروه شمشال

کوچک، اما متفاوت

گروه شمشال ۲۵، ۲۶ و ۲۷دی‌ماه در تالار اصلی فرهنگسرای نیاوران به اجرای برنامه می‌پردازد.

حسین حمیدی سرپرست گروه با اعلام این خبر گفت: «اصولاً گروه شمشال سعی دارد با نگاه جدیدی موسیقی اقوام مختلف ایران را روی صحنه بیاورد و تنوع اقوام، به ما این اجازه را نمی‌دهد که در یک نقطه بمانیم و دچار سکون شویم.»

وی با اشاره به این نکته که حدود شش ماه روی موسیقی آذربایجان کار کرده‌ایم، گفت: «این برنامه در دوقسمت اجرا می‌شود. البته تاکنون درباره موسیقی آذربایجان، بسیار نوشته و پرداخته‌اند و باید گفت از نظر عملی و تئوری این موسیقی نسبت به موسیقی سایر اقوام ایران، تجربه‌های زیادی را در تاریخ موسیقی خاورمیانه گذرانده است.»

وی در ادامه افزود: «شاخه‌های مهم موسیقی آذربایجان عبارتند از: موسیقی محلی و فولکلور که همان موسیقی روستایی است. این موسیقی، قدیمی‌ترین و عمیق‌ترین منابع موسیقی آذری را تشکیل می‌دهد و با ساز قوپوز نواخته و خوانده می‌شود. البته از سازهای دیگری نظیر بالابان، زرنا و توتک نیز استفاده می‌شود. بانیان اصلی این نوع موسیقی، عاشیق‌ها هستند. عاشیق‌ها، خنیاگران خود ساخته‌ای هستند که راوی داستان‌های اساطیری و حماسه‌های گذشته سرزمین خود هستند.»

حمیدی متذکر شد: «درگذشته عاشیق‌ها به سه هنر آراسته بودند که همان نواختن ساز، شاعری و خوانندگی است.»

وی در ادامه نوع دوم موسیقی آذربایجان را موسیقی ملی این خطه دانست و گفت: «موسیقی ملی آذربایجان به صورت سه نوازی به آوازهای دستگاه‌های مختلف می‌پردازند. این شکل از موسیقی به صورت کلاسیک خود با یک نوازنده تار، یک نوازنده کمانچه و یک خواننده که خود دایره نیز می‌نوازد، اجرا می‌شود. موسیقی ملی آذربایجان به صورت ارکسترهای مختلفی تجربه شده است که از آن جمله می‌توان به ارکستر سازهای سنتی، ارکستر سازهای سنتی و غربی، ارکستر پاپ و ارکستر سمفونیک اشاره کرد که همگی به موسیقی ملی آذربایجان پرداخته‌اند.» سرپرست گروه شمشال ادامه داد: «موسیقی آذربایجان درایران، با وجود مدارس عالی موسیقی آذری، رشد و پویایی خود را ازدست نداده و با عشق و علاقه فردی به راه خود ادامه داده است. از موسیقیدانان آذربایجانی ایران می‌توان به استاد علی سلیمی، صفرعلی جاوید و آساطور صفریان اشاره کرد. در زمینه آهنگسازی و تنظیم برای ارکستر و از خوانندگان آن می‌توان افرادی چون زنده یاد مصطفی پایان، یدالله زیوه، اباذر عرفانیان را نام برد. همچنین از نوازندگان تار آذری، به زنده یاد علی آقاداستان‌پور، علی سلیمی، صفرعلی جاوید، مشهدی صیفی، ابراهیم پور، عادل آخوندزاده، استاد بیگجه خانی و آقای موسی پور و همین طور از نوازندگان گارمون به جمشید حمیدی و رحمان اسداللهی اشاره کرد.»

حمیدی درباره نوازندگان ساختار گروه شمشال گفت: «گروه شمشال همیشه سعی براین دارد که علاوه بربدنه اصلی گروه که از نوازندگان شهری تحصیل کرده در حوزه موسیقی تشکیل می‌شود، از خوانندگان میهمان مناطق مختلف نیز استفاده کند. بنابراین در این کنسرت هم درحدامکان از نوازندگان برجسته موسیقی آذربایجان استفاده کرده‌ایم. از سولیست‌های قسمت اول می‌توان به امیر راست بد (نوازنده کمانچه آذری)، فرهاد فرج‌لی (نوازنده تارآذری)، ایمران حیدری (تکنواز قوپوز)، وحید اسداللهی (نوازنده ناقارا) و فریبرز دانایی (خواننده قسمت اول) اشاره کرد. البته خواننده قسمت دوم عاشیق ولی آقایی است.»

گفتنی است اعضای دیگر این گروه نوازندگان عبارتند از: رابعه افتخاری (قوپوز و شورانگیز)، البرز رحمانی (تارشیراز و قوپوز)، مهدی فلاح (تارشیراز و قوپوز)، فردیس فیض‌بخش (بم تار و بم قوپوز)، رعنا شیعه (کمانچه و قوشاناقارا)، حسین عزیزی (گاوال دایره)، گلنوش حمیدی (قوشاناقارا) و حسین حمیدی (نوازنده بالابان و تنظیم کننده قطعات).

حمیدی قطعاتی را که در این برنامه اجرا خواهد شد، این گونه برشمرد: «قسمت اول: ۱-مقدمه بیات شیراز با آهنگ زنده یاد علی سلیمی و تنظیم حسین حمیدی ۲-آواز بیات شیراز با شعری از زنده یاد علی آقاواحد ۳-حیدربابا: با آهنگی از زنده یاد علی سلیمی که روی شعر استادشهریار ساخته شده و تنظیم آن را نیز حسین حمیدی به عهده دارد. ۴-مقام اصفهان که به تکنوازی کمانچه اختصاص دارد. ۵-دنیزمانیسی (آهنگ دریا) ۶-فرود بیات شیراز که به تکنوازی تار اختصاص دارد. ۷-رنگ شیرین: با آهنگسازی و تنظیم حسین حمیدی و قسمت دوم این کنسرت اختصاص دارد به قطعات و ساری گلین از قطعات محلی موسیقی آذربایجان و درآمد شور با تکنوازی بالابان حسین حمیدی، اوشاری: از قطعات موسیقی محلی و تنظیم حسین حمیدی روی شعری از گولدورلی ولی، قطعه عثمانی: که عاشیق ایرمان حیدری به تکنوازی قوپوز می‌پردازد و از قطعات دیگر می‌توان به داوان جلیلی، بایرامی و آذربایجان اوغلویان اشاره کرد.»

حمیدی در مورد همزمانی این برنامه با کنسرت محمدرضا شجریان گفت: «من با احترام به استادان بزرگ موسیقی کشورم، استاد شجریان و استاد علیزاده، فکر می‌کنم کنسرت ما، سرانجام خوشی در زمینه استقبال نداشته باشد، در حالی که اجراهای گروه شمشال تاکنون جزو پراستقبال‌ترین اجراها بوده تا جایی که حتی نوع انتخاب لباس اعضای گروه قسمتی از جذابیت‌های اجرای ما بوده است. اما با پیشامد فاجعه بم، برنامه این کنسرت، بسیار بزرگ طراحی شد و من نمی‌دانم، حتی می‌توانم دویست نفر آذربایجانی را در سالن کوچکی برای اجرای این برنامه جمع کنم یا نه؟! اما برنامه‌ای که شش ماه روی آن کار می‌شود، نباید نادیده گرفته شود به خصوص که به موسیقی اقوام ایران می‌پردازد. تمام سعی و تلاش من بر این است که گروهی که به صورت تجربی کار می‌کند را حفظ کنم.»

وی در پایان خاطر نشان کرد: «برای موزیسین روی صحنه، مخاطب خیلی مهم است و همین طور دیدن مردم و حسی که ایجاد می‌شود. اما فاجعه بم، بی‌خبر اتفاق افتاد و من هم نمی‌توانم تاریخ اجرا را به خاطر اعضای گروه و حس این افراد عوض کنم. درست مانند ورزشکاری است که پس از همه تمرین‌ها، مسابقه ندهد. اما از سوی دیگر، مسأله‌ای که من را آزار می‌دهد، این است که وقتی پوسترها را برای نصب در سطح شهر می‌بردم، واژه‌هایی نظیر «کنسرت بزرگ» در پوسترهای گروه‌های مختلف دیده شد و من همین جا اعلام می‌کنم، کنسرت ما کوچک، ولی متفاوت است.»

بچه‌ها برای «بم» کنسرت می‌دهند

مهر: **ارکستر موسیقی کودکان «پارس» به رهبری ناصر نظر، قطعه‌ای را ویژه زلزله‌زدگان بم اجرا می‌کند.**

ناصر نظر رهبر ارکستر موسیقی کودکان در مورد این قطعه جدید گفت: پس از حادثه زلزله بم تصمیم داشتم با کودکان قطعه‌ای را اجرا کنم. وقتی که شعر جمال‌الدین اکرمی به دستم رسید، ملودی آن را ساختم و قرار است که در بهمن ماه با ارکستر آن را اجرا کنم.

وی ادامه داد: این کار را با ارکستر و گروه کر که در مجموع ۲۰۰ نفر هستند در کنار صدای فلوت ریکوردر، اجرا می‌کنیم. به احتمال قوی اولین اجرای این قطعه را در نوزدهمین جشنواره موسیقی فجر خواهیم داشت.

اجرای «مانی و مانا» به اوایل سال ۸۳ موکول شد

ایسنا: **حسین دهلوی، تأکید کرد که حجم بالای «نت» و کمبود نیروی کارشناسی موسیقی و اپرا باعث شد تا اجرای اپرای «مانی و مانا» به اوایل سال ۸۳ موکول شود.**

وی در این باره گفت: ایجاد موانع و محدودیت‌ها باعث شد که در کل موسیقی و در خاص اپرا نتواند به رشد مطلوب خود برسند.

دهلوی افزود: هر چند که هنرهایی مثل تعزیه را می‌توان سرمنشأ اپرا در ایران به شمار آورد اما اپرا به شکل کنونی آن ریشه غربی داشته و من مانی و مانا را برای روز جهانی کودک ساخته‌ام.

به گفته دهلوی هم اینک خانم قاجار مشغول تمرین با گروه‌های کر، برای پیشبرد برنامه‌های این اپرا است.

وی اظهار امیدواری کرد که نمایش آهنگین مانی و مانا، بتواند کودکان ایرانی را بیش از پیش با موسیقی و هنر آشنا کند.

دهلوی گفت: هنوز گروه‌های اجراکننده اپرا، دقیقاً معلوم نشده‌اند، اما گفت‌وگو درباره همکاری ارکستر سمفونیک تهران با ما ادامه دارد.

وی در پایان گفت: این اپرا اوایل سال ۸۳ در تهران اجرا خواهد شد.